

انتخابات مجلس نمایندگان؛ بین واقعیت سیاسی و واجب شرعی

استاد عبود الدلی



سوریه روز یکشنبه پنجم اکثریت شاهد نخستین انتخابات قانونگذاری پس از سرنگونی نظام اسد بود؛ اما این انتخابات شامل همه ولایت‌های سوریه نشد، به‌ویژه با ادامه بی‌حسب سیاسی در مسئله السویداء، مناطقی که قصد کنترلشان می‌کند و فشار آمریکا برای تحمیل واقعیتهای نو که به سود اوست و نفع فداکاری‌های اهل انتخاب را از آنان می‌رباید.

در نتیجه نسبت این موضوع ناگزیر بودیم نکات بنیادینی را در باب واقع مجلس و حکم شرکت در آن و انتخاب اعضایش روشن سازیم.

اول: اصل قضیه این است که انتخاب مردم برای برگزیدن شخص یا شاخصی که نماینده آن‌ها در بیان رای و نظراتشان باشند، از امور جایز شرعی است، خواه در چیزی که «مجلس نمایندگان»، «مجلس امت» یا «مجلس مردم» خوانده شود. واقع نماینده از این منظر آن است که او وکیل رای‌دهندگان خود برای انعکاس رای آنان است و وکالت در اسلام از عقود شرعی جایز است؛

ازاین رو این بعد از مسئله انتخابات جایز است. لیکن این‌که مجلس نمایندگان نهادی قانونگذار است او شریک‌شود. الله سبحانه‌و تعالی فرمود: «إِنَّ الْخَلْفَ

إِلَّا لِلَّهِ» «تنها حکم و فرمان از آن الله سبحانه‌و تعالی است» و نیز فرمود: «وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتَكُمُ الْكَذِبَ هَذَا خَلْقٌ مِمَّا كَفَرَ لَتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ» «و به خاطر چیزی که تنها بر زبانتان می‌رود، به دروغ گویند: این خالق است و آن حرام و در نتیجه بر الله سبحانه‌و تعالی دروغ بنیدید. کسانی که بر الله سبحانه‌و تعالی دروغ

می‌بنند، رسکنا نمی‌گردند». از این رو در اسلام حاکمیت برای شرع است نه برای مردم؛ بنابراین در حاکمیت اسلامی دستگاه مقننه که معنایش وضع احکام خارج از حکم شرع باشد وجود ندارد مگر به معنای اخذ احکام شرعی از منابع اسلام. اگرچه ممکن است مجلس برای امت وجود داشته باشد اما آن مجلس نمایندگی است برای انعکاس مطالبات رعیت و آرای آنان و برای معایبه حاکمان است و دارای صلاحیت تشریعی نیست؛

بنابراین، اگر مسلمانی وارد مجلس شود و ضمن آن نظام غیر اسلامی را بپذیرد و بحدان رعایت دهد، بدون شک آگاهانه در جرم وارد شده است.

دوم: مشکل تنها در حرمت شرعی شرکت در این مجالس که بدون الله سبحانه‌و تعالی تشریع نمی‌کند، نیست، بلکه این‌که ابتدا نهادی نامناسب صورتی است که در شرایط کنونی در هر یک از کشورهای اسلامی اختیار تصمیم‌گیری ندارند؛ بلکه بیشتر جلوه‌ای از جهت‌گیری‌های حاکمیت و اموریست که قدرت‌ها می‌خواهند به‌عنوان تصمیمات از پیش‌تعیین‌شده

تعمیل کنند. در نتیجه واقعیت این مجالس بازتاب اراده حاکمان و پشت‌پرده آنان است و نه بازتاب اراده حقیقی مردم. غالباً این مجالس بر اساس قوانین انتخاباتی تنظیم می‌شوند که برای منافع قدرت نوشته‌شده و در پیرامون آن‌ها زنجیره‌هایی از تقلب و تنگ‌نظری برقرار است؛ بنابراین نقش آنها جز تصویب تصمیمات حاکم و افزودن رنگ نبادی بر آن‌ها نیست. به همین سبب می‌بینیم که آنها غالباً به‌اتفاق بر آنچه رأس قدرت که برای بیان‌المللی دیکته می‌کند مهر تابید

می‌بنند، رسکنا نمی‌گردند». از این رو در اسلام حاکمیت برای شرع است نه برای مردم؛ بنابراین در حاکمیت اسلامی دستگاه مقننه که معنایش وضع احکام خارج از حکم شرع باشد وجود ندارد مگر به معنای اخذ احکام شرعی از منابع اسلام. اگرچه ممکن است مجلس برای امت وجود داشته باشد اما آن مجلس نمایندگی است برای انعکاس مطالبات رعیت و آرای آنان و برای معایبه حاکمان است و دارای صلاحیت تشریعی نیست؛

بنابراین، اگر مسلمانی وارد مجلس شود و ضمن آن نظام غیر اسلامی را بپذیرد و بحدان رعایت دهد، بدون شک آگاهانه در جرم وارد شده است.

دوم: مشکل تنها در حرمت شرعی شرکت در این مجالس که بدون الله سبحانه‌و تعالی تشریع نمی‌کند، نیست، بلکه این‌که ابتدا نهادی نامناسب صورتی است که در شرایط کنونی در هر یک از کشورهای اسلامی اختیار تصمیم‌گیری ندارند؛ بلکه بیشتر جلوه‌ای از جهت‌گیری‌های حاکمیت و اموریست که قدرت‌ها می‌خواهند به‌عنوان تصمیمات از پیش‌تعیین‌شده

تعمیل کنند. در نتیجه واقعیت این مجالس بازتاب اراده حاکمان و پشت‌پرده آنان است و نه بازتاب اراده حقیقی مردم. غالباً این مجالس بر اساس قوانین انتخاباتی تنظیم می‌شوند که برای منافع قدرت نوشته‌شده و در پیرامون آن‌ها زنجیره‌هایی از تقلب و تنگ‌نظری برقرار است؛ بنابراین نقش آنها جز تصویب تصمیمات حاکم و افزودن رنگ نبادی بر آن‌ها نیست. به همین سبب می‌بینیم که آنها غالباً به‌اتفاق بر آنچه رأس قدرت که برای بیان‌المللی دیکته می‌کند مهر تابید

می‌بنند، رسکنا نمی‌گردند». از این رو در اسلام حاکمیت برای شرع است نه برای مردم؛ بنابراین در حاکمیت اسلامی دستگاه مقننه که معنایش وضع احکام خارج از حکم شرع باشد وجود ندارد مگر به معنای اخذ احکام شرعی از منابع اسلام. اگرچه ممکن است مجلس برای امت وجود داشته باشد اما آن مجلس نمایندگی است برای انعکاس مطالبات رعیت و آرای آنان و برای معایبه حاکمان است و دارای صلاحیت تشریعی نیست؛

بنابراین، اگر مسلمانی وارد مجلس شود و ضمن آن نظام غیر اسلامی را بپذیرد و بحدان رعایت دهد، بدون شک آگاهانه در جرم وارد شده است.

دوم: مشکل تنها در حرمت شرعی شرکت در این مجالس که بدون الله سبحانه‌و تعالی تشریع نمی‌کند، نیست، بلکه این‌که ابتدا نهادی نامناسب صورتی است که در شرایط کنونی در هر یک از کشورهای اسلامی اختیار تصمیم‌گیری ندارند؛ بلکه بیشتر جلوه‌ای از جهت‌گیری‌های حاکمیت و اموریست که قدرت‌ها می‌خواهند به‌عنوان تصمیمات از پیش‌تعیین‌شده

تعمیل کنند. در نتیجه واقعیت این مجالس بازتاب اراده حاکمان و پشت‌پرده آنان است و نه بازتاب اراده حقیقی مردم. غالباً این مجالس بر اساس قوانین انتخاباتی تنظیم می‌شوند که برای منافع قدرت نوشته‌شده و در پیرامون آن‌ها زنجیره‌هایی از تقلب و تنگ‌نظری برقرار است؛ بنابراین نقش آنها جز تصویب تصمیمات حاکم و افزودن رنگ نبادی بر آن‌ها نیست. به همین سبب می‌بینیم که آنها غالباً به‌اتفاق بر آنچه رأس قدرت که برای بیان‌المللی دیکته می‌کند مهر تابید

می‌بنند، رسکنا نمی‌گردند». از این رو در اسلام حاکمیت برای شرع است نه برای مردم؛ بنابراین در حاکمیت اسلامی دستگاه مقننه که معنایش وضع احکام خارج از حکم شرع باشد وجود ندارد مگر به معنای اخذ احکام شرعی از منابع اسلام. اگرچه ممکن است مجلس برای امت وجود داشته باشد اما آن مجلس نمایندگی است برای انعکاس مطالبات رعیت و آرای آنان و برای معایبه حاکمان است و دارای صلاحیت تشریعی نیست؛

بنابراین، اگر مسلمانی وارد مجلس شود و ضمن آن نظام غیر اسلامی را بپذیرد و بحدان رعایت دهد، بدون شک آگاهانه در جرم وارد شده است.

دوم: مشکل تنها در حرمت شرعی شرکت در این مجالس که بدون الله سبحانه‌و تعالی تشریع نمی‌کند، نیست، بلکه این‌که ابتدا نهادی نامناسب صورتی است که در شرایط کنونی در هر یک از کشورهای اسلامی اختیار تصمیم‌گیری ندارند؛ بلکه بیشتر جلوه‌ای از جهت‌گیری‌های حاکمیت و اموریست که قدرت‌ها می‌خواهند به‌عنوان تصمیمات از پیش‌تعیین‌شده

تعمیل کنند. در نتیجه واقعیت این مجالس بازتاب اراده حاکمان و پشت‌پرده آنان است و نه بازتاب اراده حقیقی مردم. غالباً این مجالس بر اساس قوانین انتخاباتی تنظیم می‌شوند که برای منافع قدرت نوشته‌شده و در پیرامون آن‌ها زنجیره‌هایی از تقلب و تنگ‌نظری برقرار است؛ بنابراین نقش آنها جز تصویب تصمیمات حاکم و افزودن رنگ نبادی بر آن‌ها نیست. به همین سبب می‌بینیم که آنها غالباً به‌اتفاق بر آنچه رأس قدرت که برای بیان‌المللی دیکته می‌کند مهر تابید

می‌بنند، رسکنا نمی‌گردند». از این رو در اسلام حاکمیت برای شرع است نه برای مردم؛ بنابراین در حاکمیت اسلامی دستگاه مقننه که معنایش وضع احکام خارج از حکم شرع باشد وجود ندارد مگر به معنای اخذ احکام شرعی از منابع اسلام. اگرچه ممکن است مجلس برای امت وجود داشته باشد اما آن مجلس نمایندگی است برای انعکاس مطالبات رعیت و آرای آنان و برای معایبه حاکمان است و دارای صلاحیت تشریعی نیست؛

بنابراین، اگر مسلمانی وارد مجلس شود و ضمن آن نظام غیر اسلامی را بپذیرد و بحدان رعایت دهد، بدون شک آگاهانه در جرم وارد شده است.

دوم: مشکل تنها در حرمت شرعی شرکت در این مجالس که بدون الله سبحانه‌و تعالی تشریع نمی‌کند، نیست، بلکه این‌که ابتدا نهادی نامناسب صورتی است که در شرایط کنونی در هر یک از کشورهای اسلامی اختیار تصمیم‌گیری ندارند؛ بلکه بیشتر جلوه‌ای از جهت‌گیری‌های حاکمیت و اموریست که قدرت‌ها می‌خواهند به‌عنوان تصمیمات از پیش‌تعیین‌شده

تعمیل کنند. در نتیجه واقعیت این مجالس بازتاب اراده حاکمان و پشت‌پرده آنان است و نه بازتاب اراده حقیقی مردم. غالباً این مجالس بر اساس قوانین انتخاباتی تنظیم می‌شوند که برای منافع قدرت نوشته‌شده و در پیرامون آن‌ها زنجیره‌هایی از تقلب و تنگ‌نظری برقرار است؛ بنابراین نقش آنها جز تصویب تصمیمات حاکم و افزودن رنگ نبادی بر آن‌ها نیست. به همین سبب می‌بینیم که آنها غالباً به‌اتفاق بر آنچه رأس قدرت که برای بیان‌المللی دیکته می‌کند مهر تابید

نظرات علمی

مردم بر ظلم و فساد نظام مراکش شوریدند و او با ماشین سرکوب خود در برابرشان ایستاد!

استاد مناجی محمد

طی این دهه، مراکش دگرگونی‌هایی فاجعه‌بار را به جنگ بازار سرمایه‌داری و سود بی‌رحم سرمایه‌داران تجربه کرده است؛ پیامد غلغله‌ی نظام در سیاست‌های و گرانی سیاه و سوزان آنان افتاد؛ تجارت خارجی از سرمایه‌داری زهرآگین، در پی سلطه‌جویی سرمایه‌داری گمرکات رها شد تا به نفع غرب باشد و تجارت بومی و غربی و شرکت‌های چندملیتی و پیروی از برنامه‌های را نابود کند؛ بخش‌های عمومی و خدمات همگانی چون نهادهای بین‌المللی آن همچون «مندوق بین‌المللی پول» آموزش، بهداشت و حمل‌ونقل خصوصی‌سازی شدند؛ و با «بانک جهانی»؛ اما فاجعه زمانی عمیق‌تر شد که دربار شانورسازی ارز، ارزش پول ملی کشته شد تا واردکننده و طبقه نزدیک به پادشاه با شور و شوق این سیاست‌ها غریبی بهره‌مند شود. بدین‌سان، یارستگین هزینه‌های را پذیرفتند و با شتاب اجرا کردند، زیرا خود نخستین آموزش، درمان، مسکن، حمل‌ونقل و تمامی نیازهای بهره‌مندان حلّی آن بودند.

بدین‌سان، به نام خصوصی‌سازی، سرمایه‌گذاری خارجی، ساله بیش از مجموع بودجه آموزش و بهداشت را می‌بلعد شرکت‌های چندملیتی، شانورسازی ارز و فرو رفتن در عمده درآمدهای دولت بر پایه مالیات و وام استوار باطلا بدهی‌ها، کشور به مزعزعی خصوصی برای شده است. طبق لایحه بودجه دولت برای سال ۲۰۲۴ که سرمایه‌داری غریبی و شرکت‌های آن بدل شد و در کنار مجموع آن ۳۱۱ میلیارد درهم برآورد شده، ۲۴۵ میلیارد آنان، دربار واقع نزدیک به آن نیز هم‌دست شدند تا درهم آن از محل مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم ثروت‌های کشور را غارت کرده و به حساب‌های شخصی تأمین می‌شود. نتیجه این شرایط دردناک، گسترش فقر و بی‌پشتی در سراسر کشور بود. نظام، با سیاست‌های

در پرتو این سیاست‌های سرمایه‌داری مسموم، تسلط شرمارور خود، فقر، مالیات و تیدیر ثروت را هم‌زمان بر کامل بر منابع معدنی کشور حاصل شد. سرعت انضای مردم تمهیل کرد؛ درحالی‌که میلاردها را خرج پروژه‌های قراردادها، تالوق‌نامه‌ها، اکتشاف، حفاری، استخراج و پیچ و خم‌موم سرگرمی و تانیش کرد از جمله احداث بازاربایی شتاب گرفت، بی‌آن‌که از قراردادهای پیشین استادیوم‌ها، تفریحات لوکس و برگزاری مسابقات چیزی کسسته شود؛ خواه در بخش انرژی (نفت، گاز، نفت جام تلخ‌های آفریقا در سال ۲۰۲۴ و جام جهانی ۲۰۳۰، شبلی)، یا در بخش معادن گران‌بها (طلا، نقره، مس و بدین‌سان، گرانی‌های کیشکن، مالیات دزنده و ورشکستگی فلزات نادر راهبردی در فناوری مانند کبالت و...) و نیز ژرف، سیمای نظامی ناکام و فروپاشیده را رقم زد.

در حوزه‌هایی چون انرژی‌های تجدیدپذیر (باد و پنل‌های این وضعیت فاجعه‌بار و دردناک، به ظلم و انفعالی خورشیدی) و آبشیرین‌کن‌های ساحلی که به کالایی عمومی انجاسید که در قالب تمصن‌ها و نظاهرات بارکنده سرمایه‌مور برای افزایش سود طبقه فاسد تبدیل شد. در بیشتر نقاط کشور جلوه‌گر شد و دیری نپایید که در همین راستا، اکتشافات نفت و گاز و معادن تازه به‌ویژه سراسر شهرها و حتی روستاها را دربر گرفت. مردم از به‌دست شرکت‌های بریتانیایی و دیگر شرکت‌های غریبی و ستم، فساد و سیاست‌های زشت نظام به ننگ آمدند و نیز شرکت معدن وابسته به دربار سرعت گرفت. به‌با خاستند و نظام، در ورشکستگی و درانگی خود، اما کشاورزی کشور نیز در چنگال سرمایه‌داری غریبی و جز چماقی سرکوب و شکسته در دست نداشت تا به آن طبقه ملّی نزدیک به قدرت افتاد؛ همه سیاست‌های پناه برد.

کشاورزی تحت طرح‌ها و برنامه‌های طراحی‌شده از سوی ای اهل مغرب زیر ستم نظام‌های استعمار؛ بدانید که



نظام سرمایه‌داری جهانی شکل گرفت. از «طرح مراکش» ممیت شما یک نفعه بی‌سابقه نیست، بلکه تکه‌ای از «سیز» (۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸) گرفته تا «استراتژی نسل سیز» فاجعه بزرگ امت است، فاجعه بزرگ‌ترین نسل اسلام (۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰) همه و همه نسخه‌هایی زهرآلود از شما و تسلط استعمار کافر غرب بر زندگی‌تان از مسیر دیکته‌های نهادهای سرمایه‌داری غریب‌اند که در راس رژیم‌های دزد و مسلط ملّی پدید آمده است. شما آن‌ها «بانک جهانی» قرار دارد. نتیجه این سیاست‌ها جلوه‌ای از ویرانی و هلاکتید که جاهلیت سرمایه‌داری آن بود که زمین‌های کشور به مزارع تولیدی برای و انحصارات زهرآلود آن با هم‌بستگی کامل خانم سرمایه‌داری غریبی بدل شدند؛ در آنجا آنچه بازار اروپا و دست‌پورده قدرت‌های خارجی در سیرزمین‌های می‌لبد کشته می‌شود، نه آنچه مردم مراکش برای مسلمانان برایشان آفریده است؛ این فقر سیاه، قوت و معاش خود نیاز دارند. این همان کشاورزی بحران‌های غریبی و ورشکستگی و تباهی، محصول مسموم صادرات‌محور است که قوت و شیر و آب مردم را می‌مکد سرمایه‌داری غریبی قاتل و سازوکارهای حاکم بر زندگی و آنان را در فقر سیاه رها می‌کند. در ادامه، نظام در شامت که از طریق عوامل داخلی وابسته به حکومت و فساد خویش یا با فراتر نهاد و دریا و نعت‌هایش را نیز سیاست بر شما تمهیل شده است!

به شرکت‌های سرمایه‌داری غریبی سپرد، از رهگذر طرح این جاهلیت سرمایه‌داری که زمین را پر از بدبختی و انبوس» برای مفید دردی که در سال ۲۰۰۹ اعلام سختی و ونج و ممیت‌های انسانی کرده است؛ علت شد. نتیجه این سیاست‌ها مسموم، گسترش بیکاری رنج‌های شامت و سرمایه‌داری خیانت و ننگ، بمب‌های در شهرها و روستاها و در بخش‌های کشاورزی و صیادی ویرانگر و ویرانی شما هستند و این وضع تا وقتی پایان و فقر فراگیر و ویرانگر در سراسر کشور بود؛ فقر چنان

بالا گرفت که پس سیل، همه‌چیز را در خود فرو برد. بنیجانه از اهل آن هلاک شود. نمره این فاجعه، چهره ویرانی هولناکی را آشکار ساخت. زمان آن فرا رسیده است که از این گمراهی بیرون در طول ده سال گذشته شاخص‌های رشد اقتصادی آید و از ضلالت‌های غریب، از ظلمت کفر و او و جهالت

پیوسته سقوط کرده و نرخ‌های بیکاری پیوسته بالا رفته جاهلی سرمایه‌داری‌اش و نیز از بند حکام خان و ننگین است؛ بدهی‌های کشور به اقوام نجویی رسیده، بحران اقتصادی شدت یافته و سطح معیشت مردم به فقرا بیشتر از این له شدن تمدن، گمراهی گمراه‌کننده و رفته است؛ گرانی افسارگسیخته به کابوس و هراس آوار فرهنگی سنگین است. شما از برترین اکتی هستند

روژانه مردم بدل شده. مراکش، امروز، کشوری است که برای هدایت مردم بیرون آمد، صاحبان رسالت و ورشکسته و از بدگزارترین کشورهای عربی و آفریقایی؛ شهادت و رهایی تنها با باریس‌گیری سلطان از چنگ بدهی آن از مرز صد میلیارد دلار گذشته و در سال ۲۰۲۴ غریب و نوزان او میسر است؛ نخست باید تب‌های بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول به ۱۰۷٫۹؛ او را شکسته و ستون‌ها و افکار باطل و ساختارهای

میلارد دلار رسیده است. براین رقم فاسد آن را نابود سازید و حکم شرع پروردگارتان را حدود ۱۳٫۴ میلیارد دلار برآورد شده است. از این میزان، بر قرار کنید با برپایی حاکمی از میان شما که به‌نام بدهی خارجی نزدیک به ۸۵ میلیارد دلار است که معادل شما کتاب الله سبحانه‌و تعالی و سنت رسول‌الله ۸۵٪ از تولید ناخالص داخلی است، افزایشی سده‌مدتی ملّی‌الملّعه‌والموسلم را جاری سازد؛ تا در شما سیره

نسبت به سال ۲۰۲۴، این بدهی عظیم، ترسناک و مبارک صابه کریم را بازگرداند؛ خلیفه‌ای راشد بر منبج ویران‌گر است. در دهه اخیر، نظام حاکم در باتلای وام نبوت که احکام قرآن را برقرار کند و پس از خاموشی،

فرض خود رفته و در پرتگاه ورشکستگی سقوط کرده سنت مصطفی‌های رسول‌الله ملّی‌الملّعه‌والموسلم است. پیامد این بدهی‌های فلک‌افزا، تسلیم کامل در را زنده نماید و زندگی اسلامی شریف و عزیز شما را که بر پیرامون مایه‌ای غریبی و سرمایه‌داری جهانی بود سال‌ها قطع‌شود کرد. پس بسوی نورالله سبحانه‌و تعالی که با تمهیل سیاست مسموم به «ریاضت اقتصادی» را برای هدایت جهانیان به دوش کشد؛ آنگاه زمین را

در حقیقت، انتقال ثروت به سرمایه‌داری غریبی به به اسنام وصل خواهد کرد تا الله سبحانه‌و تعالی‌ای باری قدرت و تهیدستی مردم کشور را به فقرا کشاند. شما تفکیر کردد. پس بسوی نورالله سبحانه‌و تعالی در سایه این سیاست‌های زهرآلود، هزینه‌های اداره و روانه شوید که در آن رهایی و نجات شاست. ما شما

خدمات پایه جامعه کاهش یافت؛ کارمندان و کارگران را به آن فیرا می‌خوانیم؛ پس پاسخ دهید و اجابت کنید بخش عمومی اخراج شده است؛ دست‌مزدها پایین آمد. «کتاب انزله‌ای لیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور سن بازنشستگی افزایش یافت؛ مالیات‌ها و کسورات پادن رژیم ایلی مراتب انغیزر انجاسید» (کتابی است که آن

از حقوق بالا رفت، مالیات بر کالا و خدمات افزوده و بر تو نازل کردیم تا مردم را به اذن پروردگار ایشان شد؛ پیرانه از مواد اساسی زندگی مردم (گندم، شکر، کن‌ظلمت‌ها به سوی نور بیرون آری، به راه سترگ عزیزی روغن، سوخت‌ها، حفز کردید؛ قیعت‌ها آزاد شد و حید است».

حزب التحریر / تانزانیای تجمع و کمپینی برای فراخوان امت به منع ترک غزه

در تاریخ ۴ ربیع‌الآخر ۱۴۴۷، مطابق ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۵، پس از نماز جمعه، حزب‌التحریر در تانزانیای کارزاری مردمی را برگزار کرد تا ارتش‌ها و عالمان کشورهای مسلمان و کلیت امت اسلامی را به وظیفه خود در نجات غزه و عده‌وگذاری آن متذکر شود. این کارزار شامل ده‌هایی در دارالاسلام و زنجبار بود؛ دعایی که در مسجد الخرمه در «جیورونی» اقامه شد و توسط شیخ موسی کلیو، کمیته ارتباطات مرکزی و مسعود موشه نماینده رسانه‌ای حزب‌التحریر در تانزانیای، برگزار شد. دعایی نیز در مسجد «میوئی» در شهر زنجبار برپا شد.

علاوه بر آن، در نقاط مختلف تانزانیای تجمع و خطبه‌های جمعه‌ای نیز سامان داده شد.

کارزار پیاپی به ارتش‌های کشورهای اسلامی اسرائیل کرد که خواهان بسیج قوری جهت مداخله نظامی برای آزادی‌ساز غزه و مسجد الاقصی و سراسر فلسطین و درهم‌گفتن رژیم یهود جانیات‌کار بود.

در پیام کارزار، عالمان مسلمان به پاسداری و معاکمه حکام خانم کشورهای اسلامی فراخوانده شدند؛ کسانی

که تسلیم مطلق خود در برابر رژیم یهود را در حدی فراتر از هر حدی رسانده‌اند.

همچنین پیام کارزار امت را از غفلت و سکوت در قبال «نسل‌کشی» در غزه برحد داشت، زیرا خاموشی آنان عالمان و ارتش‌ها را وادار خواهد کرد تا بر اساس آن به پی‌گیری این قضیه بپردازند.

در پایان، کارزار مسلمانان را به ضرورتی بنیادی فراخواند: تلاش و کار برای برپایی «دولت خلافت راشده»، قدرتی که از منظر آنان حافظ دین اسلام، نگهبان مسلمانان و پاسدار تمام مقصدات اسلامی خواهد بود.

ادامه: طرح ترامپ؛ خطری قریب الوقوع و ننگ آوَر حتی اگر جنگ در غزه متوقف شود....

این نظام‌ها می‌توانند تصمیم بر رای‌ی غیر از آنچه مردم و سرنوشت آن‌ها ادا نکرده است و امت حتی در اربابانشان در واشینگتن می‌پسندند داشته باشند! قبیل خود نیز کوتاهی نموده و نتوانسته نظام‌ها را به این حاکمان با طرح ترامپ چنان برخورد نکرده‌اند که پاسخگوی در مورد فداهایشان وادار سازند. گویی تنها گزینه موجود است، بلکه آن را طرخی درخوَر امت باید آگاه باشد که حتی اگر جنگ در غزه متوقف و سیاست و ستایش دانستند. با این رفتار، خواستند از شود و حتی اگر غزه بازسازی گردد بهتر از آنچه بود بار خشم امت بر خود بکاهند و به مردم غزه چنین و زخمیانش شفا یابند و به وضعی بهتر از گذشته بازگردانند.گنند که تلاش‌هایشان به ثمر نرسشته است: بازگردند، باز هم اشغال ادامه دارد؛ فلسطین همچنان جنگ متوقفشده، کمک‌ها رسیده و بازسازی در جریان در اشغال است و مسجدالاقصی را همچنان یهود ناباک است؛ اما حقیقت آن است که توقف جنگ به این می‌سازند و همه این‌ها همچنان بر گردن امت است و شکل، اگر رخ دهد، هرگز ننگ خیانت و توطئه را از از واجبات سنگین او به شمار می‌آید. دامن این نظام‌ها نم‌زداید؛ همان‌ها که با همدستی امت باید بداند که پایان‌بخشیدن به جنگ به این و پشتیبانی از رژیم بود، محاصره‌ای سخت بر غزه شیوه در حقیقت پذیرش شروط دشمنان است که به بر ارامت تحمیل کردند و آنان را از یاری برادرانشان با یاری حکام ما محقق شده است و اهل غزه از امت بازدارشده‌اند، افت، این حقیقت را به‌زودی در عمل نشان انتظار داشتند که با تعامی نیرو در کنارشان قرار خواهد داد و این حاکمان را از اریکه قدرت پایین گیرد تا آن مبارزه‌ای که آغاز کردند و در آن بزرگ‌ترین خواهد کشید، هرچند جنگ در غزه متوقف شود؛ زیرا فداکاری‌ها، شهادت‌ها، مبر و پایداری‌ها ثبت گردید، می‌چاند برآنها واقعیاش دهندها پایان جنگ غزه، بلکه بهیگ نبرد همچناندها، راهی‌بخش بدل شده؛ اما آزادسازی سراسر فلسطین است. افت در میدان‌ها چون امت در پاسخ‌گویی نسبت به دوستان درنگ برای آن فریاد می‌زنند، اما این حاکمان هرگز آن را ورزید، حتی اگر جنگ در غزه متوقف‌شود، بر ارامت واجب است که راه را کامل کند؛ نباید آرام گیرد طرح ترامپ، همچنین ننگی است بر ماحبان قدرت تا نجات‌دهندگی که با مانع یاری‌اند فرو ریخته و توان نظامی از میان افسران و سربازان ارتش‌های زنجیرهای که آن‌ها را در بند کرده می‌مشکند و مسلمین و اگر جنگ به این شیوه، چنان‌که پیش‌تر سدهایی را به گردن برابری‌های برادرانشان نهاده‌اند در گفتم، متوقف شود، ننگ آنان پاک نخواهد شد چراکه هم بشکند و مسیر آزادسازی را بگشاید. در بهره‌گیری از نیرویی که در دست داشتند برای چه ننگی بزرگ است اگر برادران ما در غزه نبردی از آزادسازی غزه و بلکه همه فلسطین کوتاهی کردند عظیم‌ترین نبردهای امت را آغاز کنند و این نبرد دو و حتی از به‌کارگیری آن برای رساندن آن و غذا و دارو سالم تمام ادامه یابد و در آن بیش از هفتاد هزار به مردم غزه نیز خودداری کردند و سنت استبدال بر شهید و مدحه هزار مجروح و معلول تقدیم شود و بزرگان ایشان جاری است حتی اگر جنگ در غزه متوقف آنگاه نتیجه‌اش با تصمیم یک رئیس‌جمهور آمریکا گردد.
توقف جنگ به این شکل، امت اسلام را از تکلیف خود بهما فزید، بهما خبرید؛ حتی اگر جنگ در غزه متوقف میرا نخواهد ساخت؛ چراکه امت در یاری برادرانش شود، آزادسازی آن و آزادسازی همه فلسطین ای‌بود کوتاهی کرده و واجبی را در قبال غزه و کل فلسطین و بر گردن شمامت و یک تکلیف قطعی و واجب است.

ادامه: «نسلِ زد» تختِ پادشاهیِ مراکش را می‌لرزاند

نشان داد و بر مسئولان فشار آورد تا برای نجات با ظرفیت ۱۱۵ هزار تماشاگر و هزینه ۵۰۰ میلیون درمی‌که انتظار کمک دولت را می‌کشیدند اقدام دالر آمریکا تنها در «فاز اول» درحالی‌که هزینه کنند. نسل زد در اینجا نقش رهبری درمی را ایفا «فاز دوم» آن حدودا ۳۴۰ میلیون دلار برآورد شده؛ کرد؛ گویی رهبری است که مردم را در برابر دولت نسل زد تأکید کرد که اولویت این‌گونه هزینه‌ها فرسد بسنج می‌کند.
۲-آیات بوجاز: ناحیه‌ای کوهستانی متشکل از مانند بهداشت و آموزش باشد که اساسا همین یک روستا و دره در رشته‌کوه‌های اطلس بزرگ، اکنون نیز مورد غفلت کامل‌اند. واقع در استان ازیال مراکش است. ساکنان این منطقه خواستار فراهم‌شدن خدمات پایه‌ای همچون آموزش، بهداشت و زیرساخت‌های عمرانی شدند. نسل «زد» این مطالبات را بر دوش گرفت و نظارت‌های گسترده تا پایتخت، ریاض، سازمان داد. شمار زیادی از مردم به این حرکت پیوستند و این اقدام، بازتابی رساند‌های چشمگیر در میان افکار عمومی بر جای گذاشت.
۳-مرگ شش زن نیا‌ردا در یک بیمارستان دولتی مراکش به‌دلیل افت کیفیت خدمات درمانی که خشم‌مندی درمی را برانگیخت؛ نسل زد این حادثه را به‌معنای یکی از «معالج حیاتی امت» به‌کار برد؛ زن‌های خیابان‌ها را به حرکت درآورد و حکومت و پادشاهی را در موضع اشغال و دست‌نجاتی قرارداد؛ گرفت تا نظام را به‌خطر غفلت در ارائه دست‌کم نسلی که دولت را به نوعی مصلحه جسدانه و خدمات بهداشتی محاکمه کند و مسئولیت کامل توارانه شگفت‌زده کرد و بهیگمان دور از انتظار آن مرگ‌ها را متوجه حکومت سازد و بدین‌وسیله نیست که این مصالح حیاتی نسل زد به‌تدریج توجهات اعتراضی و توققه‌هایی را سازمان داد.
۴-ساخت استادیومی ورزشی (ورزشگاه حسن دوم) «دولت اسلامی» به‌جای آن بینجامد.

ای مردم سودان، شما توانایی خنثی کردن نقش جداسازی دارفور را دارید

ای اهل سودان: شما قادر هستید نقشه جداسازی کشورتان را در نسخه دومش که هدفش جدا ساختن دارفور است، ناکام سازید. اگر بر الله سبحانه‌وتعالی به‌حق توکل کنید و او با یاری و توفیق این گام‌ها را بردارید؛ برادرت جستن از هر عامل خائن، از هر کس که بار اجرایی این نقشه را به‌عهده گرفته‌ه‌ود با تشکیل دولت موازی، یا با کوتاهی و تسلیم «افشرت» تا آن‌گاه که نیروهای واکنش سریع تسلط کامل بر سراسر دارفور را به‌دست آورند، علنا اعلام بی‌ثباتی کنید.

بسیج توان یک‌دال ماحبان قدرت و نفوذ؛ نیروهای مخلص و توانا را فراخوانید تا نقشه را خنثی ساخته و دست خائن‌ان و عوامل آنها را ز کار بازدارند.
فعل‌ایست‌های طریقی‌های رساند‌ای و منابر مساجد و نهادهای اجتماعی: برای افشای این توطئه و ابزارهای اجرایی آن در داخل کشور و برای فراخوان مردم به ایستادگی در برابر این «آنها مگر می‌کنند و الله سبحانه‌وتعالی هم مکر می‌نماید؛ و الله سبحانه‌وتعالی به‌ترین مکرکنندگان است» و پیام رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به دست به‌خطر سپارید؛ چون زندگی، کس که از شما پس از من زندگی، اختلاف فراوانی فواید دید؛ پس شما به سنت من و سنت فطری راشید م‌هی پابند باشید؛ به آن چنگ زئید و با دندان‌ها بر آن چنگ زئید» (عزیزابن ساریه روایت کرده و ابو داود، ترمذی، احمد و ابن حبان آن را نقل کرده‌اند).

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئَةً وَتُكَونَ الدِّينَ كُلَّهُ لِلَّهِ»

ای مسلمانان، چه عرب و چه عجم: آیا حکام شما جز با ااعت دستورات سفارتکاری‌های غربی گام برمی‌دارند؟ آیا برای خروهای شما و حرمت مقدساتان ارزشی قائل‌اند؟ همه آثار به‌خطر منافع خویش، دشمنان‌تان را بر این ترجیح می‌دهند و به زبان شما و خاک شما هم‌پیمان می‌شوند. آیا ندیدید چگونه برایشان در حصار گرد و همرست شدند و امروزشان در سرعت به موافقت با دستورات ترامپ می‌پروند؟ آیا حقیقتی نیست که نسل است و چه عجب است که شما قادر به سرنگون‌کردن رژیم‌های آنان و اکشدن ایشان در وادی ذلت نیستید؟ ای مسلمانان: آنچه جنگ یهود در متوقف می‌کند، ارتش‌های شامست اگر یاری‌های خود بهما فزیند و برای آزادسازی زمین و پاسداری از ناموس بچکنند که فقهنامه‌های شورای امنیت و این ابتکارات ترامپ و جهالت و بی‌پیشانی و سایر جنایتکاران.

واجب امروز، برچیدن این نظام‌های وابسته و شکستن مرزهای بی‌حد که غرب کافر استعمارگر میان بلاد می‌تسرم کرده است و خواست مداوم برای فراوانی ارتش‌ها به‌جسوری آزادسازی کامل فلسطین، نه ملیتیزه‌کردن اشغال با راحل‌های جزئی و نه توافقی که خون‌خوار باشد را پیش می‌زنش پامیل کامل. ای مسلمانان: زمان اقدام ج‌ی برای برپایی خلافت راشده بر منبج نبوت فرارسیده است، تنها این است که شما را متحد می‌سازد، سرزمین مبارک را آزاد می‌کند و نفوذ آمریکا و غرب را در بلاد ما ریشه‌کن می‌نماید.

غرب تاریخ را نمی‌فهمد و آینده را نمی‌بیند

استاد خالد علی _ آمریکا

هنگامی‌که اروپاییان وارد سرزمین آمریکا شدند و سیلاب‌شده و بر پایه این اصل نباشده است که آنچه «اکتشاف کولومبوس یا کریسلف کلمب» نامیده «پیروز، صاحب حق است و نیرومند می‌تواند هرچه می‌شود، در آنجا نعمت‌ها و پندهایی گسترده یافتند بخواهد انجام دهد»، نه تاریخ را می‌فهمد و نه خواهد که در اروپا همانندی نداشت. از آن پس به چپاول و فحید، هر اندازه هم روزگار بر او بگردد. نمونه‌های غارت طلا و فروتها پرداختند و به نابودی ساکنان بومی چپاول ملتها و بردگی مردمان، گواهی است بر سفاختار روی آوردند: تا آنجا که برآوردها شمار قربانیان این فکری ثابت و سطی غرب. چنین اندیشه‌ای هرگز توان نسل‌کشی را در قرن پانزدهم و شانزدهم میلادی میان درک قوانین و سنت‌های الهی را ندارد؛ این سنت‌ها هفتاد تا صد میلیون انسان ذکر کرده‌اند.
برای توجیه این وحشی‌گری، نظریه‌های فلسفی پدید شانه و همه آزاد زاده‌شده‌اند که برده، حق فرمانروایی آمد تا پرده‌ای بر آن بکشند. فیلسوف انگلیسی، جان بر زمین یکی است و تقسیم‌پذیر نیست و با دگرگونی لاک، در قرن هفدهم نظریه «حق با متعند است» را قدرت‌ها تغییر نمی‌کند. صاحبان حق، همان دارندگان مطرح کرد و گفت: «به همان اندازه که انسان زمینی را پیام آسمانی‌اند و تنها الله سبحانه‌وتعالی است که ششم می‌زند و آبا می‌کند و از آن برهر می‌برد. آن زمین می‌بخشد و مقرر می‌کند: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن أَوَّلِ الْأَوْتِ، وَ جَانِ اسْتَوَارَتِ مِیل بَرِزَ گُفت: «ملت‌های بعد الذکر اُنّ الارض یُرِثُها عِبَادُ الْاَشْوَابِ» «و در متعند حق دارند بر ملت‌های عقب‌مانده سلطه یابند تا زیور، پس از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان شایسته آنان را متعند و پیشرفته کنند».
سپس در قرن نوزدهم نظریه «انتخاب طبیعی» داروین سبحانه‌وتعالی است و اوست که میراث زمین را به پدید آمد و اندکی بعد به «داروینیسم اجتماعی» مالحان می‌شند.

انجیدام: اندیشه‌ای که می‌گفت: «جوامع انسانی غرب قوانین الهی را در این جهان هرگز درک نخواهد همچون موجودات زنده تکامل می‌یافت، باید نیرومند کرد مگر آنگاه که به آیین اسلام گرویده و از آن پیروی می‌بماند و ناتوانان نابود شوند و کمک به ضعیفان واجب کند: سنت‌هایی که حکم می‌کنند سبطه و تسلط باطل نیست».
به پایان می‌رسد. «وَلَا تَکُنْ مِنَ قَرَبَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا چنین بود که اروپا فلسفه و جهان بینی خود را بنا نهاد: وَرُسُلُهُ فَخْشِیئَاتُهَا حَسْبَایْ شَهِیدِا وَعَذَابُهَا عَذَابُ نُکْرَا» جوامع ضعیف حق مالکیت و حاکمیت بر سرزمین خود «و چه بسیار آبادی‌هایی که از این جهان پروردگارشان و ندارند و زورمند است که سزاوار مالکیت است، زیرا او پیامبرانش سرچپی کرد، پس آنان را به حسی تواناتر در بهره‌گیری و آبادسازی اِمن است. پس نابودی سخت گرفتیم و به عدایی هولناک گرفتار ساختیم» یا حذف او نیز، از نگاه آنان، امری طبیعی و موج به اهل حق، بی‌گمان پیروزند و باطل هرچند قویه و مغرور اساس «قانون انتخاب طبیعی» است.

در سال ۱۹۴۶، رئیس‌جمهور آمریکا هنری ترومن و وزیر ایمان دارند، برتر و استوارتر از هر قدرت باطنی، خارج‌اش جورج مارشال از مخافتان سرسخت تشکیل کرد اندازه هم قاهرش درخشان باشد. این سنت‌های دولت یهود در فلسطین بودند. ترومن یهودیان را الهی را هم مؤمن می‌بیند و هم کافر؛ اما مؤمن آن را درمی خودخواه می‌نامید؛ اما پس از آنچه گروه‌های با بصیرت و نوری که الله سبحانه‌وتعالی به او داده میبویست: در سال ۱۹۴۸ فلسطین را غصب کردند، درمی‌یابد و بر پایه حقیقت وحی می‌ستجد تا ایمانش درمش را آواره ساختند و ده‌ها هزار تن را کشتند. به آن یقین گردد و تزلزل نپذیرد. اگر قلمت باطل ترومن تصمیم گرفت دولت یهود را به رسمیت بشناسد: سراسر افکش را فرگیرد. چنان‌که پیش از برانگیخته آمریکا نخستین کشوری بود که آن را به رسمیت شناخت شدن موسی علیه‌السلام، الله سبحانه‌وتعالی خبر داد و حتی به آن نشان شایستگی داد. این تصمیم بر همان که او از همان لحظه زادنش پیروز است؛ و هنگامی‌که اصل «حق برای نیرومند» است، همان اصلی که به او وحی کرد. از پیش وعده پیروزی داد: «وَنُفِذُ الْوَعْدَ» دولت آمریکا خود بر پایه آن شکل‌گرفته بود و آن بر ثَقْنُ عَلَی الْاَیْمَنِ اسْتَعْمَقُوا فی الارض وَتَعْلَمُوْهُمَ می‌تواند قاره آمریکا نیز به اجرا گذاشت و ۹۵ درصد آنان وَتَعْلَمُوْهُمَ الْاَوْرَئِیْنَ» «اراده کردیم بر آن‌ان که در زمین را نابود ساخت.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۹ و یک‌هزاری وارثان زمین گردانیم». موسی علیه‌السلام اظهار می‌کرد که در شهری جهان، سستی پیروزی و برتری او را وعده الهی تردید نکرد و همان‌گونه که وعده داده شد، فراگرفت. فیلسوف آمریکایی، فرانسیس فوکویاما، در بر فروع و سپاهش پیروز گشت.

سال ۱۹۹۲ کتاب معروف خود «پایان تاریخ» را نوشت. با اما کافر نیز همان سنت‌های هستی را می‌بیند، نابودی این پندار که این سلطه و سیادت، آخرین نقطه غمت و ستمگران و جباران را مشاهده می‌کند، ولی فکر و غرور و شکوه بشر است. با چنین دیدگاه ننگ‌نظرانه‌ای، غریبان خودبرتربینی، چشم‌ان‌ش را کور می‌کند تا حقیقت سنت خود را مرکز جهان و فرجام تاریخ می‌پنداشند.
در سال ۱۹۹۶، مادلین آلبرایت، سفیر وقت آمریکا در بسنجد: «حق با غالب است، قوی قانون‌گذار ضعیف سازمان ملل، در پاسخ به پرسشی درباره مرگ نیم است، حق از آن متعند است، نیرومند سروراست» میلیون کفار عرقی در اثر تخریم‌های آمریکا، وقتی از او و ضعیف بنده و دهمکرات اوست و قدرت تا زمانی پرسیدند آیا این بها ارزشش را داشت، بی‌درنگ گفت: پارچاست که ابزارش در دست اوست.
«بله»، آری، او نظر آنان برای فحفس‌سیادت آمریکا بر عراق از همین رو شگفت نیست که دولت یهود، امروز نیز و منتظه، مرگ نیم میلیون کودک بی‌گناه ارزشمند بود. با پشتیبانی کامل آمریکا و غرب، دست به پاکسازی سرانجام. همین چند روز پیش، فرستاده ویژه آمریکا در نزادی در غزه می‌زند؛ و تا زمانی که قدرتی بازدارنده در امور سوریه، «توماس باراک» در گفت‌وگوی تلویزیونی برابزش نیست، نسل‌کشی را ادامه خواهد داد. تعجبی گفت: «در خاورمیانه مرگ صلی نبوده و مردم نیست اگر نخست‌وزیر این رژیم با تکبر می‌گوید: این منطقه را چنین وصف کرد: «آنها چنین جز قبیله، «دستان ما می‌توانند هر که را بخواهند، بر زمان و ده و دین نیستند: معنای تسلیم را می‌دانند؛ و اسرائیل در هر جا، به چنگ آورند» و تعجبی نیست اگر آمریکا نیز آمریکا چاگ‌های ویژه وارد».
از مهر نادان، نه ماهیت این منطقه را درک می‌کند، بازطراحی نقشه ژئوپلیتیکی خاورمیانه ب‌داند، مادام که نه معنای «امت» را، او می‌پندارد راحل در این سرزمین توان انجامش را دارد.

جز با زور و سلاح ممکن نیست؛ و نخست‌وزیر رژیم یهود این ذهنیت کور که تنها قدرت مادی و بازدارنده نیز توانسته آمریکا را قانع کند که می‌تواند بحران را نظامی را می‌بیند، جز با قدرت واقعی دولتی قوی‌طلب با قدرت نظامی حل کند. هرچند خود او و دولتش و مقتدر رام نخواهد شد؛ دولتی که او را وادار د دریافت‌اند که مردم این سرزمین جز در برابر الله حقیقت را ببیند در برابر سر تسلیم فرود آورد نه سبحانه‌وتعالی سر فرود نمی‌آورند، اما او نمی‌فهمد با منطق و برهان، بلکه با قدرت حقیقی. باشد که الله چه می‌گوید و حقیقت این امت را که از ایمان راسخ سبحانه‌وتعالی برپایی آن دولت عزتمند را نشأت بخش؛ درمی‌یابد.

این ذهنیت غربی که از آموزه‌های سرمایه‌داری خود قلم و تباهی‌شان را دارد.

پا‌تشاری آمریکایی بر ادامه غارت ثروت‌های سوریه

(شبهه‌ک شام خبری: پنج‌شنبه، ۲۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ ق، ۲۵/۰۹/۱۸) وزارت خزانه‌داری آمریکا در نویتی که شاه‌گاه چهارشنبه منتشر شد، اعلام کرد که مقام‌هایی از خزانه‌داری و وزارت خارجه آمریکا جلسه با یک وزیر خارجه سوریه، احمد الشیاب، داشته‌اند تا راه‌های «وصل دوباره اقتصاد سوریه به نظام ملی جهانی به‌صورت مسئولانه و امن» را بررسی کنند.

تعلیق اصل سرمایه‌داری منشأ همه دردها و بایا و سازنده بحران‌هاست؛ این نظام سیاسی-اقتصادی بشریت را به برکنگ‌ها کشانده، مردم جهان را فقیر کرده و ثروت‌های جوامع را به یغما برده است تا جنگ‌ها و فحش‌ها افزایش یابد، همه در خدمت منافع قدرت‌های استعماری؛ بنابراین وصل‌کردن اقتصاد یک کشور به نظام سرمایه‌داری، و سیستم مالی‌اش برای آن کشور نابودگر است و اگر دولت جدید سوریه را‌ست می‌گوید که می‌خواهد کشور را بازسازد و آن را به مسیر پیشرفت بازگرداند، باید در قانونگذاری و مدیریت اقتصادی «حکم اسلام» را جاری سازد.

زیرا اسلام سیستمی دقیق و تفصیلی برای مالکیت ثروت، چگونگی گردآوری آن و سازوکار توزیع آن آورده است؛ هدف آن هم میزان است از امور مردم و تضمین زندگی شایسته آنان است. این سنت و وقیفه دولت در اسلام؛ پاسداری از معاش شیوه است بر ستم‌وری بر آنان و تحمیل مالیات‌ها و عوارض قائلانه و تسلیم‌کردن ثروت‌ها و منابع کشور به دشمنان و فرار دادن قدرت واقعی در دست بیگانگان. بنابراین راه‌های این شام و همه مسلمین از این قیایع اقتصادی و دیگر بلا‌ها جز در سایه اجرایی کامل شریعت اسلام در همه شئون زندگی و برپایی «خلافت راشده دوم بر منبج نبوت» میسر نیست. پس ای مسلمانان، هم‌اکنون به‌پا فزیزید و بر پیودن راه تشکیل آن حکومت با ما بایبید.

تنش‌های سیاسی فزاینده میان برزیل و آمریکا

استاد یاسر ابو خلیل _ برزیل

بازگشت ترامپ به قدرت در ایالاتمتحده، نقطه عطفی تاریخی در نوع روابط میان آمریکا و برزیل پدیدآورد. این امر به‌روشنی در سلسله رویدادهای مربوط به کشمکش‌های درونی میان ماحیان نفوذ در صحنه سیاسی برزیل و دخالت آشکار آمریکا ترامپ در حمایت از یک جناح در برابر جناح دیگر آشکار شد. از نظر سابقه تاریخی روابط میان دو کشور نیز بر کسی پوشیده نیست که نهاد نظامی برزیل همواره سبب اصلی را در پشت‌پرده قدرت سیاسی این کشور داشته و از دیرباز وابسته به سیاست‌های دولتهای مستقر در واشنگتن بوده است؛ همان‌گونه که در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین نیز چنین است. اما نکته تازه در صحنه برزیل آن است که ترامپ در نخستین دوره ریاست‌جمهوری خود موفق شد جریانیت از هوادارانش را در میان سیاستمداران و افسران ارتش برزیل شکل دهد. این گروه بعدها در طریحی برای کودتا علیه نیتشه انتخابات ریاست‌جمهوری، که به بازگشت بولسئیس ایناسیو لولا دا سیلوا، به قدرت انجامید، مشارکت کردند. با این حال، به دلیل تعصبت سنتی بخش پرنفوذ فرماندهان ارتش از دستخواهی رسمی دولت آمریکا که در آن زمان در اختیار بایدن بود، این طرح شکست خورد. در نتیجه، جریان کودتا نیتشه ناکام ماند بلکه با افشا شدن جزئیات برنامه‌اش از درون خود ارتش، از سوی بسیاری از افسرانی که پیش‌تر از همگاری با آن خودداری کرده بودند، رسماً محکوم شد و مستندات روشنی از نقشه آنان در رویداد نهایه‌های رسمی قرار گرفت.

این رخداد، شگافی عمیق در درون نهاد نظامی برزیل پدیدآورد و به‌طور طبیعی دشمنی میان آن دو جناح ارتش را برانگیخت. تا زمانی که بایدن در آمریکا بر سر کار بود، جناح کودتاگر نفوذ کامل نداشت و اوضاع تحت کنترل باقی‌مانده بود. اما با امید این جناح به بازگشت ترامپ به قدرت در آمریکا و تهدیدهایی که همزمان از سوی آنان علیه گروه حاکم در برزیل مطرح شد، صحنه سیاسی دچار تحولی بنیادی گردید. با ناکشست ترامپ، جریان کودتاگر جبهه‌ای تازه در مجلس نمایندگان برزیل گردید و تلاش کرد از طریق آن، عفو عمومی برای آن کودتاچیان بگیرد و پرونده طرح کودتا و پیامدهای آن را برای همیشه ببندد.

در این نقطه، نهاد رسمی ارتش خود را میان دو گزینه دشوار یافت؛ یا همچون گذشته، تابع دولت فزاینده ترامپ باشد و یا بماند و در انتظار انتقام جریب هوادار ترامپ باشد. با برای دفاع از موجودیت خویش، به‌طور قاطع بر ضد جناح کودتاگر اقدام کرد. همین وضعیت، پاسخ گسترده دستگه‌های دولتی برای تحقیقات، بازداشت‌های پیاپی در میان افسران بلندپایه و رخداد بی‌سابقه‌ای را رقم زد که پیش‌تر در برزیل از خطوط قرمز عبور می‌شد. به آن‌که در دولت اسناد محکومیت افراد را از دو سال پیش در اختیار داشت، ولی رسماً خاف آن را اعلام می‌کرد. از همین جا می‌توان رویدادهای بعدی را نیز فهمید؛ از جمله افزایش «درصدی تعرفه‌های گمرکی بر کالاهای برزیلی به‌ویژه فولاد و آلومینیوم به بهانه حمایت از صنعت آمریکا.

اما این تعرفه‌ها تنها اهداف اقتصادی نداشتند، بلکه کاملاً سیاسی بودند. این اقدام در واقع بزرگ‌ترین افزایش مالیات بر کشورهای صادرکننده به آمریکا به‌شمار می‌رفت و تلاشی بود برای تحت فشار قرار دادن دولت برزیل. هم‌زمان واشنگتن نفوذ خود را در نهاد‌های بین‌المللی نیز به کار گرفت تا برزیل را بولسئو-تاروپ ترامپ استوار بماند.

مترجم

انعام سفر ترامپ به بریتانیا

دکتر محمد جیلانی

دونالد ترامپ در روز ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۵ سفری دو روزه و که الگوی ثبات مطلوب آمریکا در منطقه را بر هم تاریخی به بریتانیا انجام داد. او پیش‌تر نیز در ژوئن ۲۰۱۹، از این‌رو، سفر ترامپ را می‌توان تلاشی برای دیدار کرده بود؛ اما این سفر تازه که از سوی بسیاری با اطمینان‌بخشی برای حفاظت بخشی از منافع از رسانه‌ها «تاریخی» توصیف شد، فراتر از چارچوب سنتی‌اش، با حتی با جلب رضایت اقتصادی، نظیر روابط تجاری، گفت‌وگو درباره تعرفه‌های گمرکی یا پیشه‌ها سرمایه‌گذاری بیش از ۷۷۵ میلیارد دلار در سرمایه‌گذاری در فناوری و هوش مصنوعی بود- برخلاف حوزه‌های فناوری پیشرفته همچون هوش مصنوعی آنچه مطبوعات در قاهر تبلیغ می‌کردند.

سفر نخست ترامپ در سال ۲۰۱۹، زمانی انجام شد که در اجلاس خبری مشترک ترامپ و گیر استارمر نیز بریتانیا در آستانه خروج از اتحادیه اروپا قرار داشت و نشانه‌های روشنی از این فضای محتاطانه دیده در واقع شش ماه پس از آن نیز از اتحادیه خارج شد. استارمر به‌وضوح از هرگونه درگیری لفظی می‌ترسید-این خروج تأثیری عمیق بر نگاه آمریکا به با طرح پرسش‌هایی که ممکن بود ترامپ را اروپا و بر روابط میان دو سوی آتلانتیک گذاشت. در به افشای گفت‌وگوهای خصوصی وارداد، پرهیز آن زمان، اروپا در تلاش بود تا به مرحله‌ای برسد که از کرد. هنگامی که از او درباره ارتباط سفیر بریتانیا چتر جماتی آمریکا در قالب ناتو بی‌نیاز شود؛ بسیاری با جفری اپستین –واسطه رسوایی‌های افکار عمومی از بهران اروپایی بر این باور بودند که ناتو دیگر برای مقامات غربی- پرسش‌شد، با مهارت از پاسخ لفظی امنیت اروپا ضرورتی ندارد، به‌ویژه پس از فروپاشی رفت تا مبادا ترامپ در برابر پرسش‌های مشابه انعام جمایش‌شوروی و اهش چشمگیر نفوذ بین‌المللی قرار گیرد. همچنین اشتغال رسمی و بدرقی روسیه، در چنین شرایطی، سفر ترامپ به بریتانیا حاصل تنش‌های ترامپ در لندن، آشکارا با هدف جلوگیری پیامی روشن بود؛ تسلیق لندن به خروج از اتحادیه –پیش‌کش احتمالی انجام شد، به‌ویژه پس از اروپا تا نتیجه، اروپا بار دیگر ناچار‌شود با فروتنی آنچه ترامپ در چند نوبت با اجتنی سریع و با حد تند به استعمار وابستگی امنیتی خود به آمریکا در چارچوب از عباراتی چون «من موافق نیستم و برداشت من ناتو تنر دهد – هرچند با تاریختی از سلطه واشنگتن. متفاوت است» استفاده کرد که خود نشانه‌ای از در آن دوره، فضای اروپا مملو از انتقاد نسبت به رفتار وجود اختلافات پنهان اما جدی میان دو طرف بود. آمریکا خود چنانکه «امانویل مکرون»، رئیس‌جمهور- متحد اتحادیه آمریکا و بریتانیا در بسیاری از مسائل فرانسه، در مصاحبه‌ای با مجله اکونومیست در نوامبر و جزئیات مرتبط با نقش و نفوذ در خاورمیانه ۲۰۱۹ گفته بود: «پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) دچار اختلاف فاحش‌تری نباشد، از جمله در چگونگی بیرون مرگ مفتری شده است». بنابراین، می‌توان گفت راندن بریتانیا از حوزه‌های سنتی‌اش در سفر نخست ترامپ به بریتانیا در واقع با هدف طول هفتاد سال گذشته؛ اما در یک موضوع تثبیت نفوذ آمریکا در اروپا و حفظ این قاره در مدار هرگز اختلافی میان آن دو وجود ندارد؛ و آن طرف سیاست‌های واشنگتن در نظام بین‌المللی انجام شد و دوباره اسلام و بازگشت خلافت اسلامی در صحنه در عین حال تلاشی بود برای تقویت موضع بریتانیا و متفادیه اروپا و سپس خرافات بریتانیا در مسائل تشویش آن به خروج از اتحادیه اروپا.

اما این سفر، از دو جنبه اهمیت داشت؛ نخست، از دید با توافقنامه سایکس-پیکو، کشورهای ساختگی وضعیت بین‌المللی که در آن آتش جنگ میان روسیه و را پدید آورد تا از بازگشت آن جلوگیری کرد. اوکراین شعله‌ور است. در این زمینه، بریتانیا از جنبه نیز آمریکا درصدد بازطراحی نقشه خاورمیانه به کشورهای است که پیش‌ترین تلاش را برای استفاده شیو خود است؛ به‌ویژه برای از اندیش‌کده‌ها و از توان نظامی ناتو در مهار روسیه انجام داد است، نظریه پردازان استراتژیست- بنابراین، اگر میان دراجات آمریکا با این رویکرد بهشت مخالف است. بریتانیا که از صحنه قدرت جفت کنار افتاده و بریتانیا از سرسخت‌ترین حامیان پیوستن اوکراین به آمریکا که گذرست مسطر اسلام در صحنه‌های ناتو محسوب می‌شود تا از طریق آن، نوعی چتر امنیتی و همکار می‌گذاشتند و در یک سفر قرار می‌گرفتند. قوی برای کیف‌فرماندهی بود؛ اما ایالات‌متحده تعابلی موضوع است و همین امر آن‌ها را در یک اردوگاه به این نادر، بلکه در عمل می‌کوشد ادامه جنگ ملی فکری و سیاسی قرار می‌دهد. این وضعیت یادآور روسیه و اوکراین تا در بیش‌ترین زمان ممکن تضمین درجدهای ملییی است- زمانی که دولت‌ها کند تا بدین وسیله اروپا و به‌ویژه بریتانیا در حالت و پادشاهی اروپایی برسر منافع دنیوی با ادامه‌ش دائمی باقی بمانند و منابع مالی و نظامی‌شان یکدیگر در نزاع بوند؛ اما هرگاه سخن از جنگ به تدریج فرسوده شود، در همین چارچوب، سفر علیه دولت اسلامی درمی‌آمد، همگی اختلافات را ترامپ به بریتانیا که نقشی کلیدی در جهت‌دهی به کنار می‌گذاشتند و در یک سفر قرار می‌گرفتند. سیاست‌های جنگی غرب دارد، معنا یافت. در ششست مشاهده همین، روابط صحنه‌ها میان بریتانیا و خبری مشترک آمریکا و گیر استارمر، نخست‌وزیر تاریخ را در طول تاریخ است؛ با وجود تضاد منافع بریتانیا، استارمر خواستار تشدید تحریم‌ها و اتخاذ و تحریم دریایی، پس از سقوط نفوذ عثمانی، مواضع سخت‌تری علیه روسیه شد؛ اما ترامپ این را نمی‌تواند کند و کشور به سبک‌ساز و پیکو برسر موضع فاصله گرفت و تنها به این جمله بسنده کرد: «میز مذاکره ششستند و خاورمیانه را میان خود که «بویی» در برخی مواضع مرا نامید کرده است» تسوید کردند.

بیان‌کننده سخن از تحریم یا فشار مستقیم بر روسیه با وجود این همه عبرت تاریخی و رویدادهای به میان آورد. بدین‌سان، ترامپ پیامی روشن به لندن آشکار پیش چشم ما، هنوز می‌بینیم که براساس اروپا فرسناد: جنگ ادامه خواهد یافت و حاکمان کشورهای اسلامی برای جلب رضایت این تسلیولیت سیاسی‌های مالی و سپس سیاسی در دو شش مستکنران مسابقه می‌دهند و عزت را نزد آنان ششامت؛ چه در قالب ناتو و چه در سایه سلطه‌گری این می‌ی‌بند!

پنهان بر سیاست‌های اروپا، اما با همه این اوضاع و با تمام تکبر و اما جنبه دوم این سفر، مربوط به تحولات سیاسی خودبزرگ‌بینی قدرت‌های نظام تمام و ثانوی پیرامون مسئله فلسطین بود. این دیدار درست در و کوچی حاکمان ما، نشانه‌های وعده حق الی زمانی انجام شد که بیشتر کشورهای اروپایی از جمله آشکار است، بیش از هفتاد سال است از دهه بریتانیا به تشکیل دولت مستقل فلسطینی در کنار ۱۹۵۰ تاکنون که آمریکا برای تسلب بر خاورمیانه رژیم میهنیستی در مرزهای اشغالی سال ۱۹۴۷ رای هزینه‌های هنگفت می‌پردازد و جنگ‌های متعددی موافق داده بودند؛ موضعی که برخلاف خواست اروپا برای حفظ رژیم و خافش‌ساختن اتحاد تمام فلسطینی، هیچ تغییری در نقشی آمریکا برای خاورمیانه می‌تواند به فروپاشی ناگهانی نباشد. تمام این ایجاد نخواهد کرد. آمریکا بدخویی می‌داند که بریتانیا واقفیت‌ها آشکار است و تحقق آن به اذن اله هنوز در مهادت خاورمیانه نقش‌آفرین است، هرچند سجدانه‌توالتی درراه است و در آن روز، مؤمنان نفوذ مستقیمش در کانون‌های قدرت پیشین همچون شادمان خواهد شد به یاری الی سجدانه‌توالتی؛ مصر، ایران، عراق، سوریه و عربستان کاهش یافته آنان که در سخت‌ترین لحظات صبر کردند، است. با این حال، لندن از طریق روابط مستحکم تاریکی‌ها بصیرت یافتند و بر خدای زنده و پایدار خود با کشورهای خلیج فارس، اردن و حتی پیوند‌های توکل نمونده همان خدایی که یاور بندگان خویش تاریخی با رژیم میهنیستی، همچنان توان آن را دارد است.

آیا پس از همه جایانی که روسیه در حق انقلاب مرتکب شده، با او رابطه برقرار می‌شود؟

هیئت رسمی از وزارت دفاع سوریه به‌رأست رئیس ستاد کل سرتیپ‌دوم علی الفسان به پایتخت روسیه، مسکو، رسید و ه‌ا‌ون وزیر دفاع روسیه، یونسک، بیکفرو، پذیرای ایشان بود. این دیدار در چارچوب تلاش‌ها برای توسعه سازوکارهای همکاری میان وزارتخانه‌های دفاع دو کشور و تقویت همکاری نظامی مشترک انجام گرفت. مطابق، در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۵ روسیه مدافله ملی خود مستقیم بود و در سوریه آغاز کرد؛ هدف‌های که بدعای گروا‌ها و بنا بر آنچه رخ داد، بدعوت رئیس‌جمهور وقت آمریکا برای حفظ رژیم و خافش‌ساختن اتحاد تمام جهان از آن زمان مرزهای اشغالی سال ۱۹۴۷ رای هزینه‌های هنگفت می‌پردازد و جنگ‌های متعددی موافق داده بودند؛ موضعی که برخلاف خواست اروپا برای حفظ رژیم و خافش‌ساختن اتحاد تمام فلسطینی، هیچ تغییری در نقشی آمریکا برای خاورمیانه می‌تواند به فروپاشی ناگهانی نباشد. تمام این ایجاد نخواهد کرد. آمریکا بدخویی می‌داند که بریتانیا واقفیت‌ها آشکار است و تحقق آن به اذن اله هنوز در مهادت خاورمیانه نقش‌آفرین است، هرچند سجدانه‌توالتی درراه است و در آن روز، مؤمنان نفوذ مستقیمش در کانون‌های قدرت پیشین همچون شادمان خواهد شد به یاری الی سجدانه‌توالتی؛ مصر، ایران، عراق، سوریه و عربستان کاهش یافته آنان که در سخت‌ترین لحظات صبر کردند، است. با این حال، لندن از طریق روابط مستحکم تاریکی‌ها بصیرت یافتند و بر خدای زنده و پایدار خود با کشورهای خلیج فارس، اردن و حتی پیوند‌های توکل نمونده همان خدایی که یاور بندگان خویش تاریخی با رژیم میهنیستی، همچنان توان آن را دارد است.

ما قومی هستیم که الله سبحانه وتعالی ما را به واسطه اسلام عزیز گردانید و هرگاه بخواهیم عزّت را جز با آن بچویم، الله ما را خوار سازد

السیحانه‌توالتی می‌فرماید: «من کان نریک العزّة قلله العزّة جمیعاً ایّنه یضخّد الکلمه العظیمه و انقلّ الصالح یزفّه و اذلّ یفکّر و النشّات لیم حدّاث شد ید و فکّر کزاد هو بئو» «هر کس عزّت را بخواهد پس تمام عزّت آن الله سیحانه‌توالتی است. کس که نیکو بوسی و او باها می‌رود و مال صالح را باها می‌برد و کسانی که مگر کارهای زشت می‌کنند، برایشان عذابی سخت می‌آید. هر که از آنها ناپود می‌شود، عمر برانقلاب رضای‌المنعمه گفته است: «ما قومی هستیم که الله سیحانه‌توالتی ما را بپواسطه اسلام عزیزش گردانیده است؛ بنابراین هرگاه در پی عزّت بدون اسلام برویم، الله ما را ذلیل خواهد ساخت».

دین الله سیحانه‌توالتی، تنها نیرویی است که می‌تواند عزّت و کرامت از دست‌رفته ما را بازگرداند. نقشه دشمنان را درهم بشکند، فسادات را از یاد سازد و حقوق مردم را با اجرای شریعت الهی احیا کند و این تنها در پرتو خلیفای شایسته، شجاع، پرهیزگار و امین میسر است؛ کسی که از ناموس مردم پاسداری کند و در امانتی که به یی سروده شده از الله سیحانه‌توالتی بترسد. هر غیر این، سرائی است که اولیای شیطان سبقتانده‌اند. اسلام تنها راه حقیقی برای وحدت مسلمانان در نوع نگاه و تراز‌دهی و در پرچم «دولت خلافت راشده دوم بر منلیج نبوت» هیچ دولت ملی با دواتی مبتنی بر فکّر و مکتب و هیچ عامل غریبی قادر به جمع‌کردن امت با بازگرداندن عزّت مسلمانان نیست؛ آن‌ها ابزار منافع استعمارگران‌اند. بر چو‌انان امت واجب‌است این سخا‌فرا را افشا کنند و در راه برای خلافت راشده دوم کوشا باشند که عرب و عجم را زیر لوی اسلام کرد آورد. از الله سیحانه‌توالتی می‌طلبیم که این امر را هرچه زودتر قرار دهد.

افزایش خشونت علیه مسلمانان هند در سایه حکومت ملی گرایان هندو

(مجله دولتی، شماره ۴۷) در تابستان سال ۲۰۲۵، هند شاهد موجی نگران‌کننده از حملات فراطی علیه مسلمانان بود، حملاتی که توسط گروه‌های افراطی هندو با تشویق پنهان از سوی فئالی تحریک‌آمین صورت گرفت که حزب حاکم به‌پارتنای جاناتان آن را می‌پرورد.

در ایالت‌های شمالی و مرکزی هند، ده‌ها مسلمان مورد ضرب و جرح و حتی قتل قرار گرفتند به‌دست گروه‌های موسوم به «بهپانان گاو». آن‌هم به بهانه خوردن یا دوا‌سخت گوشت گاو که نزد هندوها میوانی مقدّس است، در حادث‌های هولناک در ایالت «هریات» در ماه اوت، گروهی از روستایان جوان مسلمان ۶۶ ساله را تنها بدلیل شایعه‌ای درباره خوردن گوشت گاو، به قتل رساندند. همچنین مواردی از حمله به مسلمانان مسافر در قافرا گزارش شد، جایی که با افراط‌گرایی نژادی آن‌ها را نقض کرده و در صورت یافتن چیزی که «گوشت گاو» می‌پداشتند، آنان را مورد ضرب و جرح قرار می‌دادند.

مجله دولتی در تحلیل این پدیده نوشت: این حوادث در چارچوب گسترش اسلام‌هراسی ساختاری و اجتماعی روی داده است؛ روندی که از زمان به قدرت رسیدن نارندرا مودی و حزب ملی‌گرای هندوی او آغاز شد و رو به تشدید دارد. زمینه‌های وابسته به دولت با قدرت گرفتن نفرت و برانگیختن احساسات ضدمسلمان، زمینه‌ساز خشونت شدند. برخی از مقامات محلی نیز به‌جای قانون، به میزات‌های جمعی متوسل شدند؛ چنان‌که منازل خانواده‌های مسلمان را با بولدورز تخریب کردند، افرادی که از آن با عنوان «عدالت از راه بولدورز» یاد می‌شود. این وضعیت با تصویب قانونی تبعیض‌آمیز در چند ایالت به اوج رسید؛ قوانینی که استفاده از جاپ را در مدارس ممنوع می‌سازد یا برای دایان یا معذو می‌کنند و به احساس تبعیض و انزوا میان مسلمانان دامن زد.

بدین‌ترتیب، تبعیضی شکل گرفته است که در آن خشونت عمومی علیه مسلمانان به امری عادی بدل شده و به نام «حمایت از مباد گاو» قتل‌های سرد و برهانه‌ری می‌دهد.

گزارش سازمان «دبپان حقوق بشر» نیز تأیید می‌کند که خود مقام‌های دولتی با سخنرانی‌های افراطی ضدمسلمان در جریان گزارزهای انتخاباتی، آشفتن نفرت را شعله‌ورتر می‌سازند کویی خشونت، بخشی از سازوکار میسازنی حاکم شده است.